

بررسی سیر تحولات بافت و تأثیر آن بر خاطره زدایی از بافت های کهن (نمونه موردی محله عودلاجان تهران)

سمیه فدایی نژاد

کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت های تاریخی
sr_fadaei@yahoo.com

کتایون کرم پور

کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت های تاریخی
ka_karampour@yahoo.com

چکیده

محله عودلاجان در شمار محلات پنجگانه تهران قدیم بوده است، این محله روزگاری محل تمرکز جمعیت شهر تهران به شمار می آمده است. با گذشت زمان و بروز تغییرات فراوان در کالبد و بافت محله، فرسودگی هایی در آن ایجاد شد، عمده این تغییرات شامل خیابان کشی های بی ضابطه ای می باشد که طی دوره های مختلف در بافت محله ایجاد شد که از آن جمله می توان به ایجاد خیابان سیروس بر اساس خیابان کشی های سال ۱۳۱۶ ش، امتداد یافتن گذر پامنار تا خیابان بوذرجمهری و امتداد یافتن خیابان بوذرجمهری تا در دهه ۴۰ اشاره نمود، که هر کدام از آنها در مسیر امتداد و گسترش خود باعث تخریب های فراوان گردیدند، که از آن جمله می توان به تخریب راسته بازار سرچشمه و بخشی از تکیه رضا قلی و... در امتداد ایجاد خیابان سیروس اشاره نمود. مجموع این فرسودگی ها و نامناسب شدن شرایط زندگی در این محله، به همراه طبقاتی شدن بخش ها و نواحی مسکونی شهر تهران نوعی مهاجرت درون شهری و اجباری را در آن به وجود آورد که سبب مهاجرت افراد بومی و ساکن این محله به نواحی دیگر شهر گردید و به دنبال آن جمعیت غیر بومی و مهاجری که هیچگونه تعلق خاطری به محله و حفظ هویت تاریخی و فرهنگی آن نداشتند جایگزین ساکنین اصلی گردیدند.

با توجه به تغییرات ایجاد شده در محله عودلاجان و سایر محلات قدیمی مشابه باید به دنبال راهکار مناسبی در جهت حفظ و تداوم خاطره های شهری در این محلات بود، راهکاری که با آن بتوان بر ضخامت تاریخی افزود نه سبب زدودن خاطره و از بین بردن هویت تاریخی آن گردید.

واژه های کلیدی

تهران، عودلاجان، تغییرات کالبدی، بافت های کهن، خاطره های شهری، خاطره زدایی.

مقدمه

برای اولین بار مفهوم حافظه جمعی توسط جامعه شناس فرانسوی امیلیا تایم (Emilia Time)، مطرح می شود. او این مفهوم را این گونه توضیح می دهد که زندگی جمعی در طول تاریخ امتداد دارد و منقطع نیست و این احساس که در فرد فرد جامعه یا اکثریت قاطع جامعه وجود دارد، حافظه جمعی نامیده می شود. چیزی که این احساس تعلق و هویت به یک جامعه را در درون فرد به وجود می آورد، پدیده ای کاملاً ارادی نیست بلکه بُعد غیر ارادی دارد. پدیده ای که در طول زمان و در طول زندگی فرد به او القا شده و این را در او درونی می کند و بر مبنای آن الگوهای رفتاری فرد در بطن جامعه شکل می گیرد. هویت اجتماعی و حافظه جمعی در جایی حفظ می شود که وقتی فرد در آنجاست حس می کند فضایی که در آن مستقر است با جاهای دیگر فرق دارد. (خسرو خاور، ۱۳۸۳: ۱۱۳) و آن فضا دارای تداوم تاریخی است. حال این سوال مطرح است که چگونه می توانیم در یک جامعه شهری امتداد تاریخی را حفظ کنیم تا حفظ امتداد تاریخی به حفظ هویت ما کمک کند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش باید عوامل مؤثر بر خاطره زدایی را جستجو کرد تا بتوان از پیشروی آن جلوگیری نمود. با توجه به بررسی های انجام گرفته تغییرات کالبدی نقش بسیار کلیدی در این زمینه داشته اند.

هدف این نوشتار، تحلیل اثر تغییرات کالبدی بر خاطره زدایی در بافت تاریخی تهران است و نمونه موردی بررسی شده، خاطره زدایی از بافت محله عودلاجان می باشد.

محله عودلاجان که روزگاری جزء پنج محله اصلی شهر و در شمار محلات اعیان نشین تهران قرار داشته، امروزه بخش کوچکی از منطقه ۱۲ شهرداری تهران را به خود اختصاص داده است. دوره قاجار را می توان به عنوان دوره رشد و شکوفایی این محله قلمداد کرد و بالعکس دوره معاصر را به عنوان دوره افول آن به شمار آورد.

مهم ترین اسناد مطالعاتی این مقاله، نقشه های معروف تهران مربوط به ناسکوف^۱، بره زین^۲ سال ۱۲۵۷ ه.ق، موسیو کرشیش^۳ سال ۱۲۷۵ ه.ق، عبدالغفار^۴ سال ۱۳۰۹ ه.ق و نقشه GIS^۵ سال ۱۳۷۴ می باشند. مسلماً جهت شناسایی و تحلیل اثرات تغییرات کالبدی بر بافت محله عودلاجان تنها جمع آوری نقشه ها و اسناد موجود کفایت نمی کرد و نیاز به تطبیق نقشه های مزبور با وضع موجود و بررسی اثرات تغییرات حاصله بر بافت بود بنابراین نگارندگان را بر آن داشت که بررسی و برداشت های میدانی را به صورت گسترده انجام دهند.

مواردی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، عبارتند از: شناسایی عناصر شاخص شهری در محله عودلاجان و اثرات تغییرات آن بر بافت و خاطره زدایی حاصل از آن، بررسی وضعیت کنونی در تقابل با نقشه های تاریخی.

خاطره زدایی در بافت های کهن

وقتی از هویت شهر صحبت می کنیم به چیزی رجوع می کنیم که در پس ظاهر و در بطن شهر نهفته است و ممکن است هیچ گونه ارتباطی به شکل و ظاهر شهر نداشته باشد. مهم این است که در

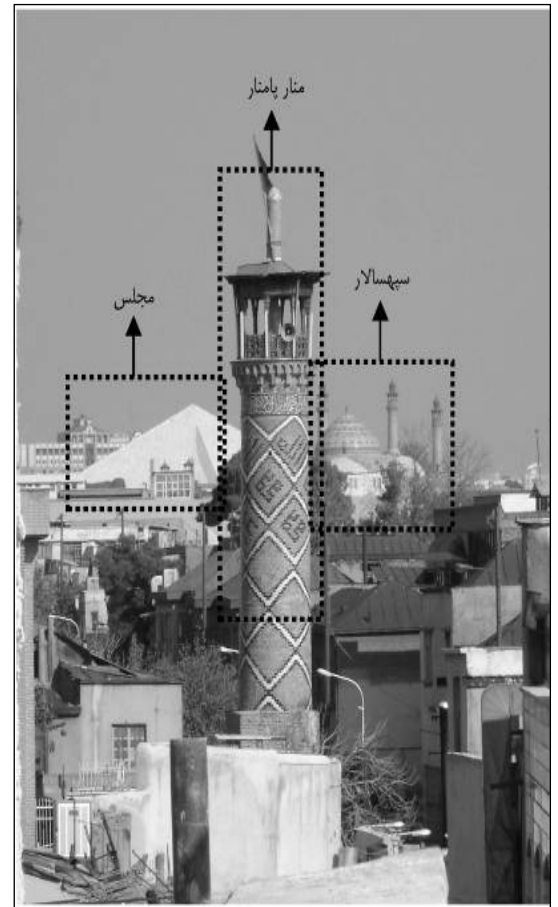
داخل شهر چه می گذرد. چه هنجارها و رفتارهایی در شهر به وقوع می پیوندد و به شهر هویت می دهند. به همین سبب باید به انسان ها و رخدادهای شهر نگاه کنیم. یکی از عناصری که انسان با آن تعریف می شود، حافظه است. شهر نیز دارای حافظه است. اگر شهری فاقد حافظه تاریخی باشد نمی توان گفت دارای هویت است. حافظه تاریخی شهر یعنی اینکه شهر، دارای خاطره است و تعریف می کند که در این مکان چه اتفاقی افتاده است. علاوه بر حافظه، شهر باید خاطره داشته باشد. پس همانطور که انسان با خاطره تعریف می شود شهر نیز با خاطره تعریف می شود. (حبیبی، ۱۳۸۴: ۸)



تصویر ۲: خیابان سعدی جنوبی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۴



تصویر ۳: خیابان پامنار. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۴



تصویر ۱: منار خیابان پامنار و مسجد سپهسالار مجلس.

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۴

حافظه تاریخی را باید شکلی از انباشت حافظه جمعی در محور زمانی به حساب آورد. حافظه جمعی، حافظه ای است که درون یک گروه اجتماعی نوعی اشتراک ذهنی در پیوند با گذشته به وجود آورده و کمابیش خاص آن گروه است. انباشت حافظه، از خلال مجموعه درهم و پیچیده ای از برداشت های حسی قابل تبیین است، به صورتی که در آن می توان شمار بزرگی از تصاویر، صداها، بوها، مزه ها، تجربه های بساوایی (لامسه ای)، تأثرها، غم ها و شادی ها، حسرت ها و غربت ها و... را گرد آورد. حافظه تاریخی بر بستر فضا حرکت می کند، به عبارت دیگر محور زمانی در رابطه ای پیوسته با محیط فضایی قرار می گیرد و به نوبه خود آن را تغییر داده و بر آن معنا گذاری، نمادگذاری و نشانه گذاری می کند. فضاهای شهری، محله ها،

شهرها در کلیت خود، بدل به پهنه‌هایی می‌شوند که می‌توان آنها را "مکان‌های حافظه" نامید؛ مانند نام گذاری بر محله‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها، بناهای آموزشی، علمی تفریحی. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۵۹)

به زبان دیگر وقتی از حافظه جمعی شهر صحبت می‌کنیم، از مکان‌ها یا فضاهایی صحبت می‌کنیم که در آنها خاطره شهری نقش داشته و وقایع شهری اتفاق افتاده است. این وقایع شهری به شهر ضخامت تاریخی داده است و در واقع جزئی از حافظه تاریخی و حافظه ما می‌شوند.

در حافظه جمعی ماده وجود ندارد، بلکه تنها صور خیالی وجود دارد، صور خیالی که بتوانیم در ذهن تجسم کنیم. بنابراین وقتی از شهر صحبت می‌کنیم، جای جای شهر مملو از فضاهایی است که صورخیالی شهروندان در آن نقش می‌بندد. همانند فضاهایی که ما در شهرهای خود داشته ایم، به طور مثال میدان نقش جهان و یا میدان گنجعلی خان و یا میدان بهارستان فضاهایی هستند که صور خیال در آنها نقش می‌بسته و نقش خواهد بست. در واقع خاطره به حال آوردن گذشته است و خیال عامل به وجود آورنده خاطره جدید است و خیال زمانی شکل می‌گیرد که فضای آن جاری باشد. به زبان دیگر خیابان‌ها و محله‌ها و شهرها با ضخامت تاریخی که در آن جاری است به باز تولید خاطره‌ای جدید توسط صور خیالی اهالی شهر می‌پردازد.

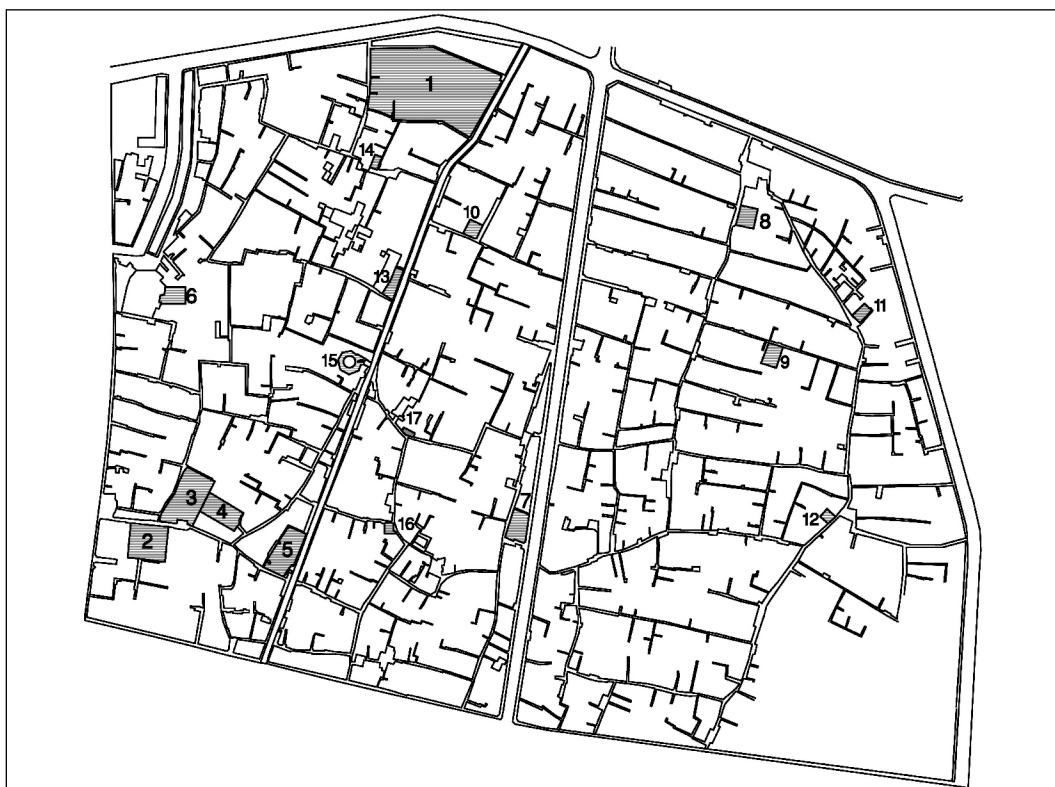
بنیامین خاطره را این چنین تعریف می‌کند "خاطره ابزار تفحص گذشته نیست بلکه صحنه ایست برای به حال آمدن گذشته، صحنه ایست برای پیوند مجدد با محیط. خاطره تا عمیق ترین لایه‌ها را می‌کاود برای آنکه بتواند مکانی جدید در خاطره شهری را کشف کند، پاره‌های مجزا را در کنار هم می‌چیند تا کارکردی مجدد به آنها ببخشد، فراموش شده را نجات دهد و امیدها و آرزوهای سرکوب شده را از نو برهاند." (به نقل از حبیبی، ۱۳۸۱: ۱)

در گذشته فضاهای شهری نقش بسیار مهمی در زندگی فردی، خانوادگی، محلی و شهری مردم داشت و بسیاری از فعالیت‌های عمومی، جمعی و گروهی در آنها جریان می‌یافت. به این ترتیب بخشی از فعالیت‌های اجتماعی، گذران فراغت و تبادل اطلاعات و تجربیات از طریق تماس‌های چهره‌به‌چهره صورت می‌پذیرفت. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۲) و این فضاهای شهری (اعم از کوچه‌ها، خیابان‌ها، دروازه‌ها و...) بستر شکل‌گیری خاطره‌ها بوده است.

فضاهای شهری با فعالیت‌های درونی آن تعریف می‌شود و همین فعالیت‌ها و روابط ما بین انسان‌ها، تصاویر ذهنی و از سوی دیگر خاطره شهری را سبب می‌گردد. در گذشته به علت نزدیک بودن فضاهای کار و زندگی و تفریح و گذراندن زندگی به صورت جمعی، ساکنین یک محله هم با یکدیگر احساس خویشاوندی و هم به محله خود احساس تعلق داشتند و این حس به دلیل داشتن خاطرات مشترک در یک محله بوده است.

عوامل موثر بر خاطره زدایی در محله عودلاجان

محله عودلاجان از مهم‌ترین محلات پنجگانه تهران^۶ قدیم به شمار می‌آید، قدیمی‌ترین سندی که به وجود محلات در تهران اشاره دارد معجم البلدان یا قوت حموی است که در آن ذکر شده است: که تهران دوازده محله داشته ولی نامی از آن محله‌ها برده نشده است. (نجمی، ۱۳۵۰: ۱۵) پس از آن دیگر ذکری از



نقشه ۲: وضع موجود عناصر شاخص محلهٔ عودلاجان بر روی نقشه GIS سال ۱۳۷۴ مأخذ: نگارندگان.

- | | |
|--|--|
| ۱. سفارت روسیه (خیابان پامنار) | ۱۰. خانه موتمن الاطباء (خیابان پامنار- کوچه نوری زاده) |
| ۲. دبیرستان مروی (خیابان ناصر خسرو- کوچه مروی) | ۱۱. حمام نواب (گذر بازارچه حمام نواب) |
| ۳. مسجد مدرسه خان مروی (کوچه مروی) | ۱۲. مسجد مدرسه معمار باشی (گذر امامزاده یحیی) |
| ۴. مسجد سپهسالار قدیم (کوچه مروی) | ۱۳. مسجد آقا بهرام (خیابان پامنار- کوچه صوفیانی) |
| ۵. مسجد میرزا محمود وزیر (کوچه مروی) | ۱۴. مسجد سپهدار (خیابان امیرکبیر- کوچه امین دربار) |
| ۶. خانه امام جمعه (خیابان ناصر خسرو- کوچه امام جمعه) | ۱۵. مسجد پامنار (خیابان پامنار) |
| ۷. تکیه درب مدرسه (خیابان مصطفی خمینی) | ۱۶. مقبره پیر عطاء (خیابان پامنار- کوچه مشیر خلوت) |
| ۸. خانه وثوق (خیابان امیر کبیر- کوچه میرزا محمود وزیر) | ۱۷. مدرسه دانگی (خیابان پامنار- سه راه دانگی) |
| ۹. خانه نصیرالدوله (خیابان امیر کبیر- کوچه میرزا محمود وزیر) | |



تصویر ۴: جنوب غربی محله عودلاجان عکس از بالون در زمان ناصرالدین شاه. مأخذ: عکس از ایوم خانه کاخ گلستان، مجموعه عکس های عکاسباشی، اواخر دوره قاجار.^۸

عودلاجان نام محله ای است که در قسمت شمال شرقی تهران قدیم قرار داشته و حدود آن به شرح زیر بوده است:

شمال. این محله از سمت شمال کاملاً وصل به حصار شهر بود و بعدها در محل آن خیابان چراغ گاز یا امیرکبیر احداث شد. این حصار از مدخل پامنار و نرسیده به سرچشمه به سمت جنوب منحرف و به محل خیابان ری امروزی منتهی می شده است.

شرق. سمت شرقی محله عودلاجان هم مانند سمت شمال آن به حصار وصل بود و بعدها در محل آن قسمت شمالی خیابان ری قرار گرفت.

جنوب. محله عودلاجان از سمت جنوب به محله چاله میدان منتهی می شد که تا منتهی الیه جنوب شرقی پیوسته به آن بود و به حصار شرقی می انجامید.

غرب. سمت غربی محله عودلاجان به حصار ارگ وصل می شد که بعدها خیابان ناصرخسرو جای آن را گرفت. "عودلاجان فقط از طرف شمال به خارج از شهر راه داشت. این ارتباط از طریق دروازه ای برقرار می شد که در حدود مدخل شمالی خیابان پامنار قرار داشت و به نام دروازه شمیران معروف بود. این دروازه که در زمان شاه طهماسب ساخته شده بود تا سال ۱۲۹۲ ه.ق یعنی قریب به سیصد و بیست و پنج سال پابرجا بوده است." (کریمان، ۱۳۵۵ : ۲۰۱)

از جمله عناصر شاخص محله عودلاجان، می توان به: مدرسه خان مروی، مسجد میرزا محمود وزیر، مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم، منار پامنار، خانه امام جمعه، امامزاده پیر عطا، خانه وثوق، خانه مدرس، حمام نواب و... اشاره نمود.

تحولات کالبدی محله عودلاجان

با مراجعه به نقشه ها و تصاویر محله عودلاجان و با مطالعه مقاطع رشد و تغییر شهر تهران و تحولات شهرنشینی، می توان دوره های کالبدی محله را به سه دوره اصلی تقسیم کرد:

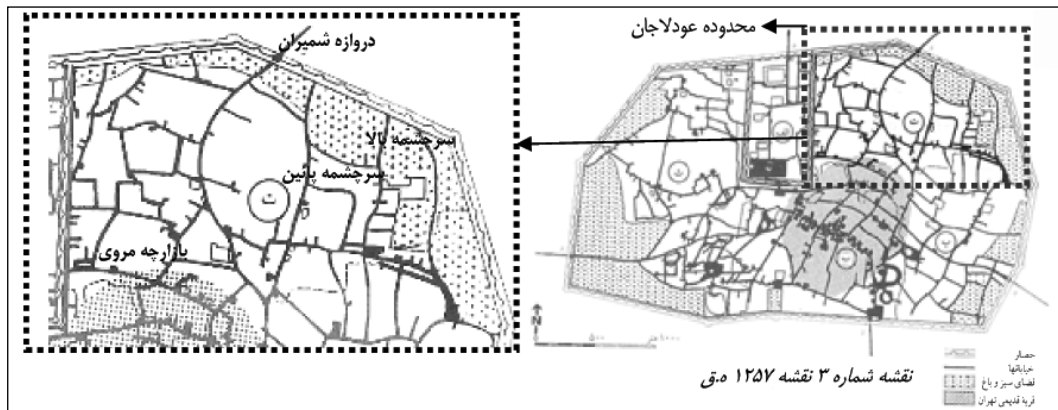
دوره اول (از ابتدا تا سال ۱۲۸۴ ه.ق مقارن با گسترش شهر) که نقشه های ناسکوف، بره زین ۱۲۵۷ ه.ق و کرشیش ۱۲۷۵ ه.ق را شامل می شود.

دوره دوم (از سال ۱۲۸۴ ه.ق تا ۱۳۰۹ ه.ق) که نقشه عبدالغفار ۱۳۰۹ ه.ق را شامل می شود.

دوره سوم (از سال ۱۳۰۹ ه.ق تا سال ۱۳۷۴ ه.ق) که مربوط به دوره جدید می باشد.

دوره اول

نقشه ترسیمی برزین (سال ۱۲۵۷ ق) با استناد به این نقشه فضا در محله عودلاجان خلوت است، باغ هایی وسیع در حوالی حصار قرار دارند، محله دارای ۴ گذر اصلی شمالی - جنوبی به نام های: گذر پامنار، کوچه راسته سرچشمه، کوچه سادات و گذر در حمام نواب و دو گذر شرقی - غربی به نام های: گذر شتر گلو (کوچه مروی) و کوچه اقبال السلطنه می باشد.



نقشه ۳: نقشه کرشیش ۱۲۷۵ ق.؛ نقشه دارالخلافة تهران مؤید پیروی از سبک اصفهان است. در مقایسه با نقشه سال ۱۲۵۷ ه.ق. از میزان باغات کاسته شده و بافت مسکونی جایگزین آن گردیده است. مأخذ: بره زین، ۱۲۵۷ ه.ق.



نقشه ۴: نقشه دارالخلافة تهران ۱۳۰۹ ه.ق. مأخذ: کرشیش، ۱۲۷۵

دوره دوم

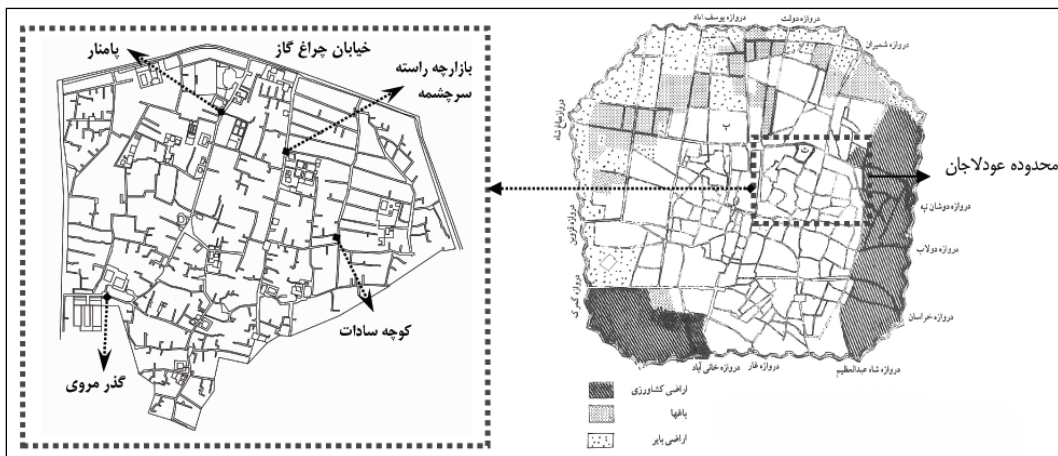
نقشه عبد الغفار (۱۳۰۹ ه.ق): احداث خیابان چراغ گاز بر روی حصار شمالی ارگ و خیابان ری بر روی خندق شرقی و احداث خیابان ناصر خسرو (۱۲۸۲ ه.ق) بر روی خندق شرقی ارگ سلطنتی.

روند تحولات کالبدی بافت بر اساس نقشه ها

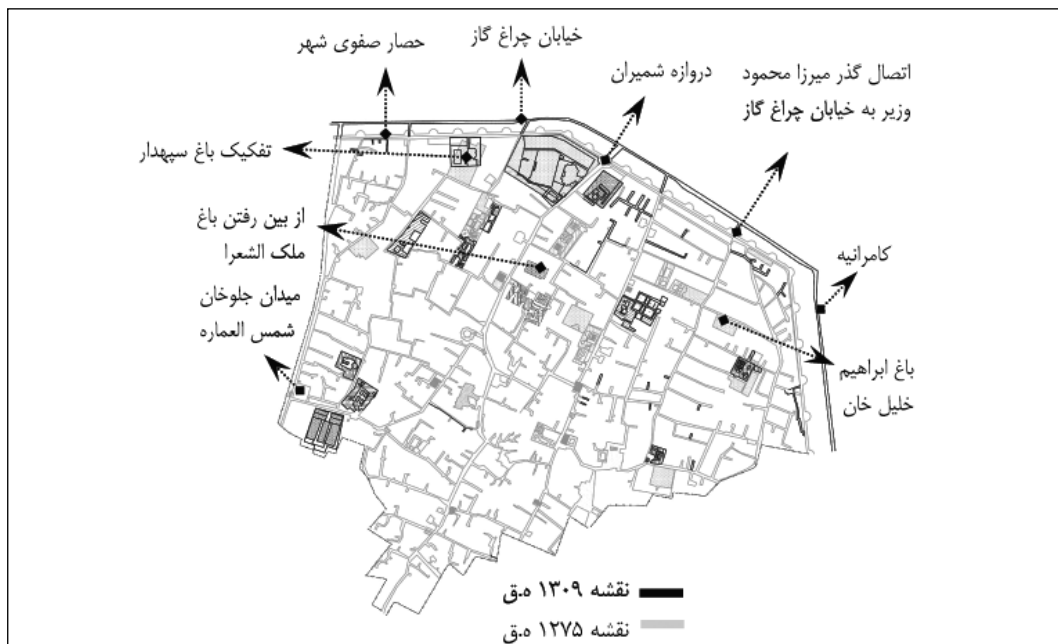
با مقایسه دو نقشه ۱۲۷۵ و ۱۳۰۹ ه.ق این نتایج حاصل می گردد:

۱. احداث خیابان های چراغ گاز و کامرانیه بر روی خندق به دنبال گسترش شهر و تخریب حصار صفوی (۱۲۸۴ ق) و ایجاد معابر جدید.
۲. از بین رفتن دروازه شمیران بدنبال گسترش شهر و عدم نیاز به وجود دروازه در این مکان و اتصال تعدادی از گذرهای قدیمی (محمود وزیر، پامنار و...) به خیابان های جدید.

۳. ایجاد میدان جلوخان شمس العماره، به علت اهمیت مکانی آن به عنوان یک مفصل ارتباطی مهم بین محله عودلاجان و خیابان ناصریه و کاخ های سلطنتی.
۴. افزایش کمیت همه عناصر شاخص محله (مساجد، تکایا، مدارس، میادین و...) به جز باغ ها (باغ ها یا کاملاً از بین رفته مثل باغ ملک الشعراى بهار، باغ ابراهیم خلیل خان و یا از وسعتشان کاسته شده است).
۵. تفکیک برخی از عناصر شاخص محله (مثل باغ مروی و باغ سپهدار و باغ نظام العلماء) به مرور زمان سبب ریز دانه شدن بافت شده است.
۶. از بین رفتن کاربری کاروانسراهای محدوده دروازه شمیران به علت انتقال دروازه و تبدیل آنها به بار انداز که سبب تنزل سطح کیفی بافت گردیده است.



نقشه ۵: نقشه دارالخلافه تهران ۱۳۰۹ ه.ق. مأخذ: عبدالغفار، ۱۳۰۹ ه.ق.



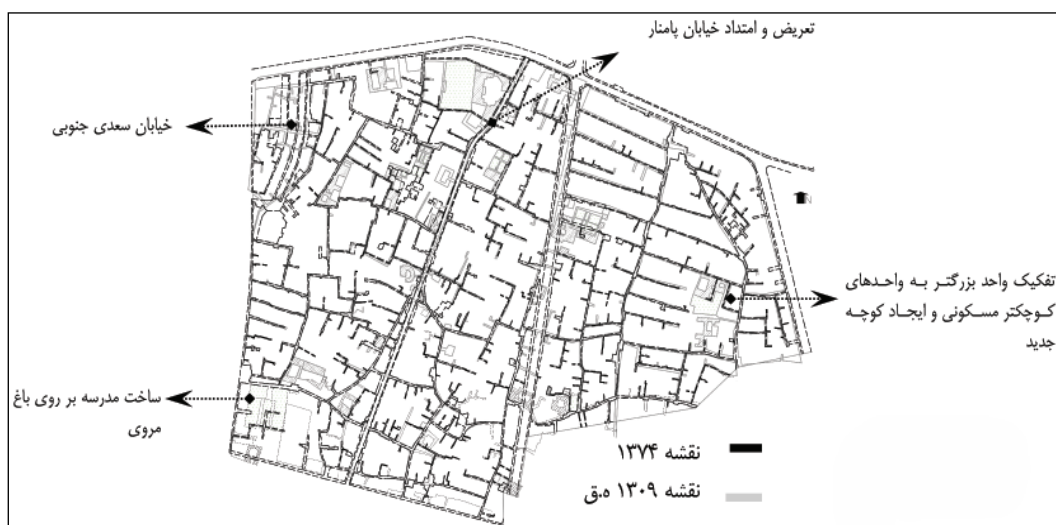
نقشه ۶: رویهم انداختن نقشه های ۱۲۷۵ ق. و ۱۳۰۹ ق. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۵.

دوره سوم

نقشه GIS (۱۳۷۴ ه.ش): این نقشه بیانگر خیابان کشی های جدید در دوره معاصر می باشد، که از آن جمله می توان به احداث خیابان سعدی جنوبی (به علت بمباران دوران جنگ) و تعریض و تغییر مسیر خیابان پامنار و احداث خیابان سیروس در محل قدیم بازار راسته سرچشمه و امتداد خیابان بوذرجمهری (۱۵ خرداد) و به طور کلی تعریض کوچه ها و گذرهای پیشین و ایجاد کوچه های جدید، اشاره نمود. لازم به ذکر است که در حد فاصل نقشه ۱۳۰۹ ه.ق تا ۱۳۷۴ ش نقشه های دیگری نیز از تهران تهیه شده است که مهم ترین آنها مربوط به سال ۱۳۰۹ ش، ۱۳۱۶ ش، ۱۳۳۲ ش، ۱۳۴۲ ش، ۱۳۵۵ ش می باشد که با توجه به نقشه ۱۳۱۶ شاهد ایجاد خیابان سیروس در میانه محله عودلاجان و خیابان بوذرجمهری در جنوب آن، در حد فاصل سیروس تا ناصرخسرو هستیم و در نقشه ۱۳۴۲ شاهد امتداد یافتن خیابان بوذرجمهری تا ری می باشیم و همچنین خیابان پامنار در دهه چهل تا بوذرجمهری امتداد می یابد.^۹



نقشه ۷: GIS تهران ۱۳۷۴ ه.ش. مأخذ: سازمان جغرافیایی شهر تهران، ۱۳۷۴.



نقشه ۸: روی هم انداختن نقشه های ۱۳۰۹ ق. و ۱۳۷۴ ش. مأخذ: نگارندگان و باباخانی، ۱۳۸۵.

با مقایسه دو نقشه ۱۳۰۹ ه.ق و ۱۳۷۴ شمسی تغییرات حادث شده عبارتند از:

احداث خیابان سعدی جنوبی به علت بمباران دوره جنگ و پامنا و سیروس به دنبال سیاست های اتخاذ شده در شهرسازی مدرن.

احداث دبیرستان مروی بر روی باغ مروی و تولد یک عنصر شاخص شهری مهم که در بافت محله تأثیر بسزایی داشته است.

تفکیک اراضی (تبدیل واحدهای بزرگ تر به واحدهای کوچک تر که سبب افزایش تراکم بافت گردیده است) و امتداد یافتن کوچه ها جهت دسترسی به اراضی تفکیکی عقب تر.

تعریض و احداث کوچه های جدید به دنبال ورود خودرو به بافت قدیم (مانند دیگر محلات قدیمی) که در بسیاری از موارد باعث گسستگی بافت شده است.

با بررسی عکس های هوایی و نقشه های فوق می توان نتیجه گرفت که به دنبال استفاده بهینه از زمین، درصد فضاهای ساخته شده طی گذشت زمان افزایش یافته است (به خصوص در مجاورت خیابان ۱۵ خرداد) که باعث افزایش تراکم بافت شده است.

تبدیل کاربری از مسکونی به تجاری به خصوص در مجاورت خیابان های اصلی (به خصوص در ضلع جنوبی محله در لبه خیابان ۱۵ خرداد) و تبدیل هسته مرکزی بافت به کارگاه ها و انبارهای مغازه داران که موجب تنزل سطح کیفی بافت گردیده است.

تنزل سطح کیفی فضاهای موجود و ساخته شده در محله به علت عدم توجه به پتانسیل های تاریخی و ارزشمند بافت و فقدان معیارها و ضوابط مناسب شهرسازی.

تغییر ارتفاع ابنیه در بافت و ایجاد بلند مرتبه سازی بدون توجه به ساختار اصیل و سنتی بافت جهت سوددهی بیشتر که منجر به از بین رفتن خط آسمان اصلی و کم شدن جلوه های بصری عناصر شاخص.

قطع شدن و کم شدن اهمیت بازارچه راسته سرچشمه و فضای باز تکیه رضاقلی به علت احداث خیابان سیروس که باعث گسستگی بافت اصیل محله و کمرنگ شدن خاطره ها در این محدوده.

اهمیت ثانویه پیدا کردن بسیاری از عناصر شاخص به علت گسترش شهر و ساخت وسازه های جدید.

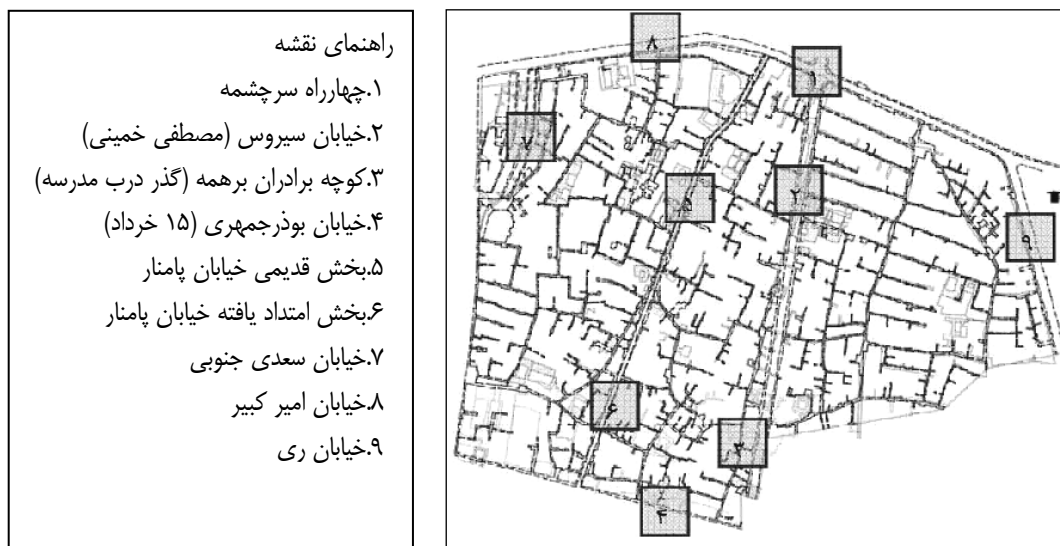
اثرات تغییرات کالبدی بر خاطره زدایی در عودلاجان

عودلاجان براساس سبک معماری تهران عهد ناصری طراحی شده که حفظ آن ارزشمند بوده و هر گونه تغییری در کالبد این بافت قدیمی، مساوی با پاک شدن خاطره ای جمعی از بافت مرکزی شهر می باشد، کما اینکه از دوره ناصری تا به امروز این خاطره زدایی مکرراً صورت پذیرفته است و همچنان هم با سرعتی روزافزون ادامه دارد. این تغییرات در برخی نقاط بافت تا به حدی لحاظ شده که بخشی از یک گذر اصلی اهمیت ثانویه پیدا کرده است.

شاهد این مدعا تغییرات اعمال شده بر روی گذر بازار راسته سرچشمه است. این گذر که مسیر شمالی جنوبی خود را از حصار شمالی شهر آغاز می کرده در ادامه با نام های بازار راسته سرچشمه، کوچه راسته سرچشمه، گذر درب مدرسه و گذر مسجد حوض در محله عودلاجان و گذر سرپولک، گذر سینه چال در

محلّه چاله میدان، به بازار و از آنجا به دروازه شاه عبدالعظیم می پیوسته است. از عناصر شاخص این گذر در محلّه عودلاجان می توان به تکیه رضاقلی، تکیه درب مدسه (ثبت شده در فهرست آثار ملی)، مسجد حوض (ثبت شده در فهرست آثار ملی)، خانه های اعیانی حشمت الدوله و کیومرث میرزا و کاروانسراهای ریز و درشت اشاره کرد.

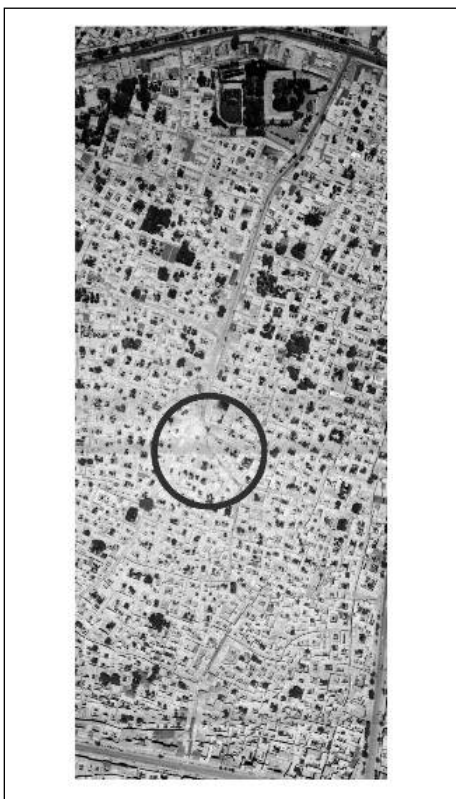
در دوره رضاخان پهلوی با تصویب قانون بلدیّه در سال ۱۳۰۹ شمسی عملیات وسیع شهرسازی در کل کشور آغاز شد. در این زمان کریم بوذرجمهری که یک امیر ارتش بود، به عنوان شهردار جدید تهران شروع به کار کرد و در سال ۱۳۱۲ قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان ها تصویب شد که باعث شکل گیری خیابان های بزرگ مستقیم به سبک پارسی "هوسمان" در بافت قدیمی شهر شد. احداث خیابان سیروس که امروزه مصطفی خمینی نام دارد و بر روی گذر بازار راسته سرچشمه کشیده شده است، مربوط به همین دوره می باشد. احداث این خیابان مانند دیگر خیابان های مشابه باعث بریده شده بافت محلات شهر گردید و به این ترتیب محلّه عودلاجان از وسط به دو نیم شد و بخش کمی از این گذر در کنار خیابان اصلی به حیاط خود ادامه داد که البته همان هم با احداث خیابان بوذرجمهری قطع شده بود و تنها بخش باقی مانده از این گذر در محلّه عودلاجان، بخشی است که گذر درب مدرسه نام داشته و امروزه با نام برادران برهمه به حیاط خود ادامه می دهد. با ورود به این گذر گویی که به تهران عهد ناصری گام گذاشته ایم ولی تنها بر جای ماندن تکیه درب مدرسه و مسجد حوض در طول این کوچه، یادآور نام آن گذر و راسته قدیمی هستند. (مراجعه شود به نقشه شماره ۹) خوب بود که اگر از اهمیت آن گذر هم کاسته شده، ولی حداقل نام آن به جای می ماند تا یادآور خاطره ای باشد.



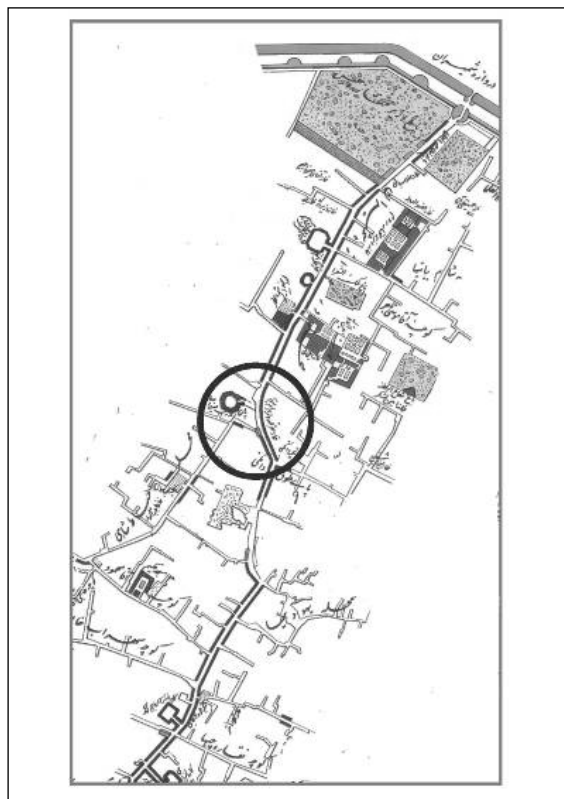
نقشه ۹: سنتر نقشه های ۱۳۰۹ ق. و ۱۳۲۴ ش. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۵

یکی دیگر از مصادیق فراموشی خاطره در بافت عودلاجان به علت مداخلات شهری، مربوط به محلّه پامانار است. این گذر از دروازه شمیران در شمال شهر شروع می شده است و در ادامه مسیر خود به سمت جنوب، در میانه عرض محلّه عودلاجان، تقسیم به دوراه می شود. یک راه که به سمت جنوب غربی می رفته و وارد محلّه مسکونی حیاط شاهی (از زیر محلات مهم عودلاجان) می شده است و راه دیگر به طرف

پاطوق دانگی و محله یهودی ها می رفته است. پاطوق دانگی که دارای بازارچه ای در امتداد بازارچه پامنار و تکیه و مدرسه بوده و مستقیم به بازار شهر می رسیده، ادامه استخوان بندی پامنار بوده است، که با امتداد یافتن پامنار به سمت جنوب تا خیابان بوذرجمهری (۱۵ خرداد) در دهه ۴۰، بافت از محل دوراهی بریده می شود و پاطوق دانگی اهمیت ثانویه پیدا می کند و دیگر مکان تعاملات اجتماعی از این محل به پامنار جدید انتقال می یابد. نزدیکی به بازار و موقعیت خاص خیابان پامنار سبب تبدیل این راسته به بازار آهن آلات شده است و تامل در این خیابان تنها چیزی را که به ذهن انسان یاد آور نمی کند، پیشینه تاریخی آن است. البته منار پامنار به عنوان تنها نماد شهری برجای مانده از دوره شکوفایی این محله همچنان خودنمایی می کند. (مراجعه شود به نقشه شماره ۹،۱۰ و عکس های ۲، ۳ و ۴)



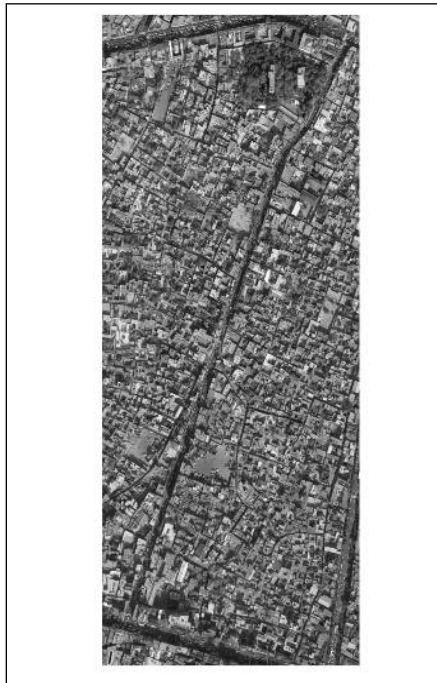
تصویر ۵: پامنار ۱۳۳۵ ش مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۳۵



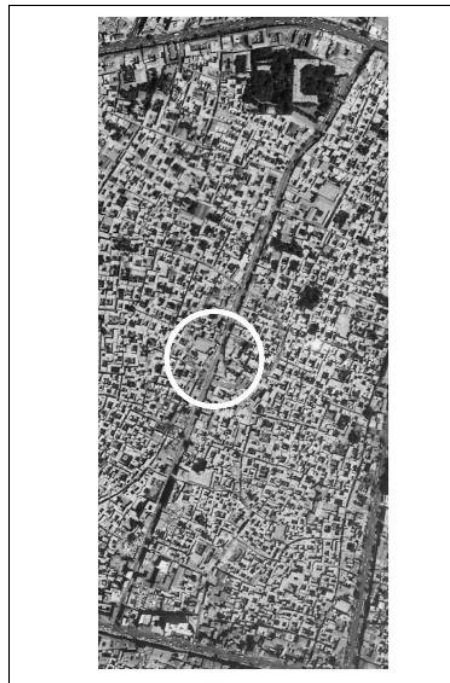
نقشه ۱۰: پامنار ۱۲۷۵ ق. مأخذ: کرشیش، ۱۲۷۵ ه ق

همچنین محل دروازه شمیران در مدخل پامنار امروزی برانگیزاننده هیچ یاد و خاطره ای از این دروازه مهم نیست حتی نامی از آن هم برجای نمانده است. محل حصار و خندق صفوی نیز امروزه خیابان های عریض و شلوغ ری (در شرق) و امیرکبیر (در غرب) وجود دارند، که راننده گرفتار ترافیک به ذهنش هم حتی خطور نمی کند که بر روی خندق زمان صفوی در حال حرکت است. از جمله عوامل دیگری که تأثیر زیادی بر روی تخریب کالبدی این محله و خاطرات آن داشته است، تخریب محله عرب ها در ناحیه شمال شرقی در دهه ۶۰ بر اثر عملیات های انفجاری بوده است. امروزه به

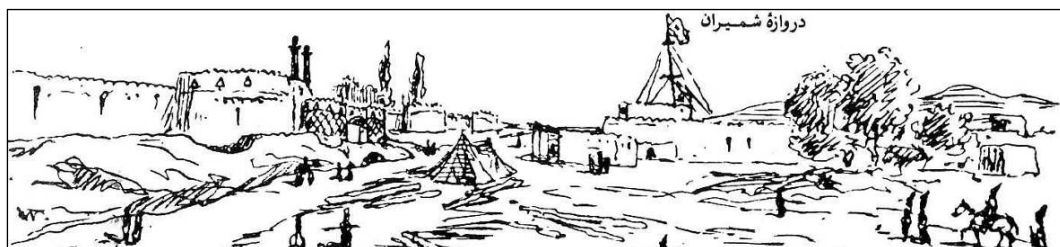
جای این مکان، خیابان پرتراکم سعدی جنوبی ایجاد گردیده است. (مراجعه شود به عکس های ۵، ۶ و نقشه ۹)



تصویر ۷: پامنار ۱۳۸۱ ش مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۱



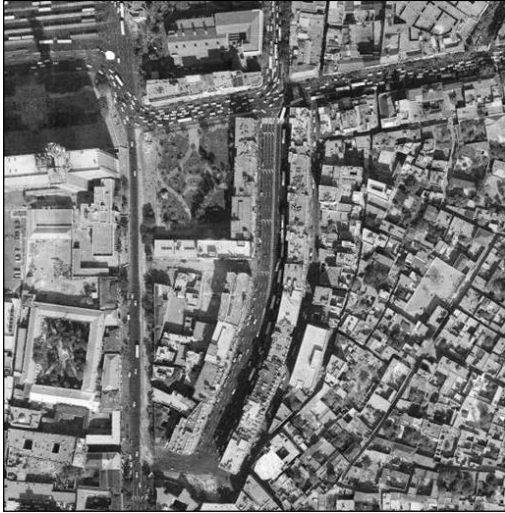
تصویر ۶: پامنار ۱۳۴۳ ش مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۴۳



کروکی ۱: کروکی دروازه شمیران. مأخذ: از دوهوسه، جغرافیای شهر نشینی در ایران علاوه بر این تغییرات کالبدی که اثر شگرفی بر خارطه زدایی داشته اند، برخی از اقدامات جزئی مثل تغییر نام کوچه ها و گذرها هم در این امر بی تأثیر نبوده اند، به عنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تغییر نام گذر در حمام نواب به کوچه قاسمی.
- تغییر نام کوچه محمد خان امیر نومان (مرز جنوبی عودلاجان شرقی) به کوچه اقبال السلطنه و در حال حاضر کوچه شهید مرادی.
- تغییر نام گذر میرزا محمود وزیر به کوچه شهید جاویدی.
- تغییر نام گذر درب مدرسه به کوچه برادران برهمه.
- تغییر نام کوچه حیاط شاهی به کوچه حق پرست.
- تغییر نام کوچه معین نظام به کوچه طلوعی.
- تغییر نام پا طوق دانگی به کوچه نیک ضمیر.

- تغییر نام کوچه یهودی ها به کوچه حکیم.
- تغییر نام کوچه شامبیاتی ها به کوچه شهید سجادی.



تصویر ۹: محله عرب ها بعد از احداث خیابان سعدی جنوبی
سال ۱۳۸۱. مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۱



تصویر ۸: محله عرب ها قبل از احداث خیابان سعدی جنوبی
سال ۱۳۳۵. مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۳۵

در میان اسامی گذرها و کوچه های عودلاجان گهگاه به اسامی خاطره برانگیزی از جمله کوچه منصور الحکما، خیابان پامنار، کوچه امام جمعه، کوچه خداینده لو، کوچه خراسانی ها، کوچه مروی، کوچه حسام السلطنه، کوچه عودلاجان، کوچه ماست بندی، چهار راه سرچشمه، کوچه قوام الحضور، کوچه بحرالعلوم، کوچه سادات، کوچه حمام گلشن، گذر امامزاده یحیی، کوچه ماست بندها، میدان پسته بک، بازارچه حمام نواب، کوچه فخر الملک و کوچه قنات بر می خوریم که بسیار غنیمت است.



تصویر ۱۱: خانه تخریب شده در عکس ۱۳۸۱. مأخذ:
سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۱



تصویر ۱۰: خانه ای در پشت گذر مروی ۱۳۳۵. مأخذ:
سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۳۵

با توجه به تغییرات کالبدی ژرف در استخوان بندی محله، در جای جای عودلاجان می توان شاهد تغییرات ریز و درشت دیگر از جمله موارد زیر بود:

تبدیل خانه حسام السلطنه در جنوب گذر مروی به عمارت مؤید الدوله در دوره ناصری و مخروبه شدن آن در حال حاضر و نهایتاً تخریب آن و ایجاد پارکینگ عمومی در آن مکان با توجه به طرح شهرداری. احداث مدرسه مروی بر روی باغ مروی که در زمره باغات با اهمیت قرار داشته است. تبدیل شدن خانه وزیر مختار فرانسه در نقشه کرشیش به عمارت مجبعلی خان در نقشه عبدالغفار. تبدیل شدن خانه وزیر مختار روم (۱۲۷۵ ه.ق) در محله پامنار به عمارت جناب امین الدوله (۱۳۰۹ ه.ق) و تخریب آن در دوره پهلوی و احداث مدرسه سعدی بر جای آن و... این خانه متعلق به حسام السلطنه بوده که در بخش جنوبی کوچه مروی واقع است و به علت نزدیکی به بافت تجاری بازار و سودآوری بیشتر مورد تخریب واقع شده است.

نتیجه گیری

بر اساس پژوهش صورت گرفته به این نتیجه می رسیم که بافت محله عودلاجان و سایر محلات تاریخی مشابه، با گذشت زمان دستخوش تحولات فراوانی به لحاظ کالبدی و عملکردی و معنایی شده اند، که این تحولات سبب خاطره زدایی در محلات تاریخی گردیده اند عمده تحولات که باعث خاطره زدایی در محلات تاریخی شهر گردیده است عبارتند از:

همزمان با طبقاتی شدن بخش ها و نواحی مسکونی شهرها سبب شد که نوعی مهاجرت درون شهری و جابه جایی افراد و خانوارها بر اساس میزان دارایی و منزلت اجتماعی آنان صورت گیرد و به دنبال این دگرگونی ها، افراد و خانوارها نسبت به تغییر محل زندگی خود اقدام کردند و به این ترتیب به جز برخی موارد معدود، محل اقامت بیشتر خانوارها و نیز جابه جایی آنها در شهر بر اساس دارایی و منزلت اجتماعی صورت پذیرفت. (همچنین عواملی همچون نزدیکی به محل کار، دوری از نواحی آلوده شهر و امکان سکونت در مناطقی که از لحاظ هوا و منظر در شرایط مناسبی هستند) بدین ترتیب امکان پدید آمدن احساس تعلق به محله و ناحیه مسکونی چندان به وجود نیامد و "نداشتن صورت آشنا، لاقیدی، یعنی بی تفاوتی به شهر، یعنی دور شدن از دیار آشنا، یعنی دور شدن از قصه شهر." حبیبی، ۱۳۸۱: ۱۱۷) از سوی دیگر با دور شدن افراد محلی از مکان هایی که به آن تعلق خاطر داشتند، مکان ها نیز دچار فرسودگی شدند گویی مکان ها نیز فهمیده بودند که دیگر آن افراد دلسوزی که محله را از آن خود می دانستند و آن تصاویری که برایشان آشناست، دیگر نیستند، و متروک شدن مکان ها آغازیست برای تخریب کردن آن ها؛ و تخریب مساویست با پاک کردن گذشته و سرانجام از بین بردن خاطره است و اینگونه می شود که مکان ها و به دنباله آن فضاها ناآشنا و به تبع آن بی هویت می شوند.

تصور این بوده است که گذشته را پاک کنیم و حال نوینی را تشکیل بدهیم، در حالی که حال، نداریم و چیزی نیست که آن امتداد تاریخی و ذهنیت تاریخی را برای ما نگهدارد، به عبارتی با فروپاشی هر نشی و دیواری در شهر، بخشی از ذهن ما فرو می ریزد و دچار سرگستگی می شویم و ذهن شهروند را مغشوش می کنیم، چرا؟ چون مکان های مرجع را از بین می بریم. مکان مرجع حتماً نشانه نیست، بلکه مکان مرجع ذهنی و خیالی است. (حبیبی ۱۳۸۳: ۱۱۷)

نتیجه آن که اگر قرار است تغییر ی اعم از بهسازی، نوسازی و یا بازسازی در یک بافت صورت بگیرد برای حفظ هویت شهری و جمعی می بایستی در امتداد تاریخی آن بافت باشد و تنها اینگونه می توان حافظه جمعی و به تبع آن خاطره شهری را حفظ نمود و به ضخامت تاریخی آن افزود. اینگونه، بافت کهن می تواند آستانه ای جدی برای تکوین حافظه جمعی مردمانی گردد که تجربه شهری خود را در مکان هایی کسب می کنند که اکنون دیگر در آن سکنا ندارند. آنان با بازخوانی خاطره های خود در مکانی جدید می توانند به خلق حافظه ای جدید کمک رسانند و شهر کهن را دارای حافظه جمعی جدیدی نمایند، حافظه ای تبلور یافته در مکان مشخص.

پی نوشت

۱. ر. ک. مهربار، محمد و بهرام قدیری و فرهاد فخار تهرانی، شهرهای ایرانی
۲. نقشه بره زین، سال ۱۲۵۸ ه.ق، کارتوگرافی: م.م.مقتدر
۳. نخستین نقشه دارالخلافة تهران که در سال ۱۲۷۵ ه.ق، به دستور ناصرالدین شاه قاجار گروهی به سرپرستی علی قلی اعتضاد السلطنه و نظارت فنی مسیو کرشیش معلم توپخانه مدرسه دارالفنون و همکاری چند نفر از فارغ التحصیلان مدرسه مزبور با مقیاس ۱/۱۰۰۰ از شهر تهران تهیه شده است.
۴. دومین نقشه دارالخلافة تهران در سال ۱۳۰۹ ه.ق، به فرمان ناصرالدین شاه، توسط علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه و مهندس عبدالغفار نجم الملک معلم علوم ریاضی و جمعی از معلمین دیگر با دستیاری ۲۰ تن از دانش آموختگان مدرسه دارالفنون از بافت جدید شهر تهران به مقیاس ۱/۲۰۰۰ تهیه گردید.
۵. تهیه شده توسط سازمان جغرافیای شهر تهران.
۶. تا پیش از صفویه، نام تهران، با وجود سابقه کهن تاریخی، تنها در چند منبع به عنوان یکی از روستاهای تابع ری آمده است. تهران پس از فتنه مغول و ویرانی ری به تدریج اهمیت یافت تا آنکه، در حدود سال ۹۶۱ ه.ق، شاه طهماسب صفوی دستور داد که بر گرد روستای تهران بارویی با یک فرسخ طول، ۱۱۴ برج به تعداد سوره های قرآن و ۱۴ دروازه بسازند و این آغاز پیدایش شهر تهران است. از آن پس، به دلایل مختلف روز به روز بر اهمیت تهران افزوده شد تا آنکه، ۲۰۰ سال پیش آقا محمد خان قاجار تهران را پایتخت خود انتخاب کرد. در اوایل حکومت قاجار، تهران تغییر چندانی نکرد. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، تهران از شکل یک قریه گلین و در هم فشرده خارج شد، و موج افکار نو و سیل امکانات جدید روح تازه ای در کالبد شهر دمید. در حدود سال ۱۲۸۴ ه.ق، ناصرالدین شاه دستور توسعه شهر تهران را صادر کرد. بنابر آن، باروی قدیمی تخریب شد و حصار بزرگ تری به صورت هشت ضلعی نسبتاً منظم بر گرد تهران بنا گردید. با شروع حکومت رضا شاه، حدوداً از سال ۱۳۰۴ ه.ش، شهر با تحولات اساسی رو به رو شد. باروی آن تخریب گردید و با خیابان کشی های جدید نامتجانس بر متن بافت شهری موجود، شهر متحول شد.
۷. نام عودلاجان، متعلق به دورانی است که تهران دیهی بیش نبود و از روزگاری باز مانده است که مردم آنجا به لهجه خاص محلی خود سخن می گفتند، که مشابهت تام و تمامی به لهجه ده نشینان کنونی شمیران داشته است. این کلمه ظاهراً صورت تعریب یافته اودلاجان بوده است. «ان» در آخر کلمه پسوند نسبت مکان است و «او» نیز بی گمان همان تلفظ محلی آب است و ظاهراً باقی کلمه نیز مشتق از «دراجیدن» به معنای پخش کردن و تقسیم کردن آب نهر به رشته های کوچک تر است که هم اکنون در آبادی های دیگر شمیران، نظیر اوشان و آهار معمول است و در آبیاری ها کاربرد دارد. محله عودلاجان به سبب ارتفاعی که دارد بر اماکن جنوبی مسلط است، و بی تردید آب نواحی جنوبی از این محل می رفته است، و آن را در سرچشمه به تناسب مصرف پخش و تقسیم می کرده اند. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود به کتاب تهران در گذشته و حال تألیف حسین کریمان.

۸. ر.ک. به آلبوم خانه کاخ گلستان، عکس های عکاسباشی، عکس بالن.
۹. ر.ک. به مختاری، اسکندر، ۱۳۷۴، سیر تحولات سیمای شهری در میدان جلوخان شمس العماره، مجله اثر شماره ۲۵، سازمان میراث فرهنگی کشور.

منابع

- آیت الله زاده شیرازی، باقر (۱۳۵۹) *بهسازی محله عودلاجان* مجله اثر، ش ۲، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹) *تاریخ اجتماعی فرهنگی تهران* ج ۱، چ ۲، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- حبیبی، سید محسن و دیگران (۱۳۷۶) *استخوان بندی شهر تهران* ج ۱، ۲، ۳، انتشارات سازمان فنی و مهندسی شهر، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰) *از سار تا شهر* چ ۳، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۴) *شهر بی خاطره شهر بی هویت* نشریه شهرهای جدید، دوره جدید ش ۲، ۳، ۴.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳) *صور خیال شهر را پاک کرده ایم* مجله رایانه، معماری، ساختمان، ش ۳.
- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱) *مرمت شهری* چ ۱، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- خاور، خسرو (۱۳۸۳) *شهرها و خاطره جمعی* مجله رایانه، معماری، ساختمان، ش ۳.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹) *تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی و کاخ گلستان* انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- ذکاء، یحیی و محمد سمسار، (۱۳۶۸) *تهران در تصویر* انتشارات سروش، تهران.
- سعدوندیان، سیروس و منصوره اتحادیه (۱۳۶۸) *آمار دارالخلافه تهران، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار: نقش جهان، تهران.*
- سلطان زاده (۱۳۸۵) *"فضاهای شهری هویت فرهنگ"* مجله معماری و فرهنگ، ش ۲۴.
- سمسار، محمد حسین (۱۳۶۵) *شهر تهران، کتاب نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران* به کوشش محمد یوسف کیانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- عبدالغفار، نجم الملک (۱۳۶۹) *نقشه تهران* تنظیمی ۱۳۰۹، چاپ مجدد، سحاب، تهران.
- عدل، شهریار و برنارد اورکاد (۱۳۷۵) *تهران پایتخت دویست ساله* انجمن ایران شناسی فرانسه، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، تهران.
- فدایی نژاد، سمیه و کرم پور، کتابون (۱۳۵۸) *تحلیل تأثیر تحولات کالبدی بر پیکره بافت محله عودلاجان* (از دوره قاجار تا به امروز)، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۸، دانشگاه تهران.
- فدایی نژاد، سمیه (۱۳۸۵) *بهسازی، نوسازی و بازسازی در گذر مروی* پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) *انسان شناسی شهری* نشر نی، تهران.
- فوریه (طیب مخصوص ناصرالدین شاه) (۱۳۲۶) *سه سال در دربار ایران* ت: عباس اقبال، انتشارات کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء، تهران.
- کرشیش، مازور اگوست (۱۳۴۹) *نقشه شهر دارالخلافه ناصری* انتشارات سحاب، تهران.
- کرم پور، کتابون (۱۳۵۸) *ساماندهی بازارچه حمام نواب* پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- کریمان، حسین (۱۳۵۵) *تهران در گذشته و حال* انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مالکی، احمد و احمد خورسندی آقایی (۱۳۸۴) *قنات در ایران: مطالعه موردی قنات های شهر تهران* شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
- محمد زاده مهر، فرخ (۱۳۸۲) *میدان توپخانه تهران* پیام سیما، تهران.

- مختاری، اسکندر (۱۳۷۴) *سیر تحولات سیمای شهری در میدان جلوخان تسمس العماره* مجله اثر، ش ۲۵، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- معتمدی، محسن (۱۳۸۱) *جغرافیای تاریخی شهر تهران* مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مرکز اسناد آلبوم خانه کاخ گلستان.
- مرکز اسناد سازمان جغرافیایی شهر تهران.
- مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران.
- مرکز اسناد سازمان نقشه برداری کشور.
- مرکز اسناد مهندسین مشاور باوند.
- مرکز اسناد مهندسین مشاور نگین شهر آینده، ۱۳۸۳.